



Security Strategies of the United States of America Regarding China and its Impact on the National Security of the Islamic Republic of Iran (2001-2021)¹

10.30495/PIR.2023.1975798.3588

Maznab Hossein², Ghaedi Mohammad Reza³, Simber Reza⁴

Received:2023/02/18

Accepted:2023/05/09

Research Article

Abstract

The impact of American national security strategies on other countries has always been the focus of international relations researchers. Some theorists in this field believe that the all-round growth of China in the last twenty years has threatened the interests of many countries, especially the United States. This research seeks to answer the question, what effect has the security strategy of the United States of America regarding China had on the national security of the Islamic Republic of Iran (2001-2021)? In response to the proposed hypothesis that "according to the strategic security threats of the United States against China, this country has been looking for new alliances between important regional players, which has led to a strategic alliance between China and Iran". After examining the sources of the first category (economic and security strategies) with a descriptive-analytical method, the results showed: the national security strategy of the United States of America, from 2001 to 2021, has always mentioned China and Iran as an international threat, to The way that China's role is more pronounced and Iran's role in the next stages are in these strategies. According to Stephen Walt, when two or more states face an imminent common threat, they join together in the form of a coalition to protect themselves. Therefore, China and Iran signed a 25-year cooperation agreement against the threats of the United States.

Keywords: China; National Security of the Islamic Republic of Iran; Security strategy of the United States of America

Maznab, H., Ghaedi, M. R., & Simber, R. (2023). Security Strategies of the United States of America Regarding China and its Impact on the National Security of the Islamic Republic of Iran (2001-2021). *Journal of Political And International Research*, 15(54), pp. 74-.87

¹ This article is taken from Hossein Moznab's doctoral thesis

² Ph.D. of International Relations Department, Kish International Unit, Islamic Azad University, Kish Island, Iran
Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
(Corresponding author) ghaedi1352@gmail.com

⁴ Professor, Department of Political Science and International Relations, Gilan University, Rasht, Iran



راهبردهای امنیتی ایالات متحده آمریکا در خصوص چین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۱-۲۰۲۱)^۱

10.30495/PIR.2023.1975798.3588

حسین مذنب^۲، محمدرضا قائدی^۳، رضا سیمبر^۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸

چکیده

چکیده

تأثیر راهبردهای امنیت ملی آمریکا بر سایر کشورها، همواره مورد توجه پژوهشگران روابط بین‌الملل بوده است. برخی نظریه پردازان این عرصه معتقدند، رشد همه‌جانبه چین در بیست سال گذشته، منافع بسیاری از کشورها، علی‌الخصوص آمریکا را مورد تهدید قرار داده است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که راهبرد امنیتی ایالات متحده آمریکا در خصوص چین، چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۱-۲۰۲۱) داشته است؟ در پاسخ فرضیه مطرح شده آن است که «با توجه به تهدیدات راهبردی امنیتی آمریکا علیه چین، این کشور به دنبال اتحادهای جدید میان بازیگران مهم منطقه‌ای بوده، که این امر منجر به اتحاد استراتژیک میان چین و ایران گردیده است». پس از بررسی منابع شاخص دسته اول (اقتصادی و راهبردهای امنیتی) با روش توصیفی-تحلیلی، نتایج نشان داد: راهبرد (استراتژی) امنیت ملی ایالات متحده آمریکا، از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ همواره از چین و ایران به‌عنوان یک تهدید بین‌المللی یادکرده است، به شکلی که نقش چین پررنگ‌تر و نقش ایران در مراحل بعدی در این استراتژی‌ها قرار داشته‌اند. به نظر استفان والت هنگامی که دو یا چند دولت با تهدید مشترک قریب‌الوقوع مواجه شوند، برای حفاظت از خود در شکل یک ائتلاف به یکدیگر می‌پیوندند. بدین جهت کشور چین و ایران در برابر تهدیدات کشور آمریکا قرارداد همکاری ۲۵ ساله به امضا رساندند.

واژگان کلیدی: راهبرد امنیتی ایالات متحده آمریکا، چین، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مذنب، حسین؛ قائدی، محمدرضا؛ سیمبر، رضا (۱۴۰۲). راهبردهای امنیتی ایالات متحده آمریکا در خصوص چین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۱-۲۰۲۱). فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۴، صفحات ۸۷-۷۴

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری حسین مذنب است.

^۲ دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، واحد بین‌الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

^۳ دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول) ghaedi1352@gmail.com

^۴ استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

مقدمه

تاریخ سیاست بین‌الملل همواره حاکی از رقابت بین دولت‌ها برای برتری بر یکدیگر و تلاش آن‌ها برای افزایش تأمین امنیت خود و به تبع آن، کاهش قدرت و امنیت طرف مقابل و نیز شاهد ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ بوده است. با فروپاشی شوروی، آمریکا به قدرت برتر در نظام بین‌الملل تبدیل شد به گونه‌ای که هیچ کشوری در جهان توانایی به چالش کشیدن قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی آن را نداشت. از آن پس علی‌رغم آنکه ایالات متحده آمریکا بارها در تلاش بوده تا در وقایع بین‌المللی قدرت یکه‌تاز خود را حفظ کند، ولی به نظر می‌رسد در حل بحران‌ها مختلف نتوانسته به تنهایی و به‌خوبی عمل کند از این رو قدرت‌های نوظهور در تلاش بوده‌اند تا جایگزین و یا رقیبی مناسبی برای آمریکا در سطح منطقه و جهان باشند. (پاک‌نیا، ۱۳۹۳: ۲). در سال ۲۰۱۰، کشور چین، کشور ژاپن را پشت سر گذاشت و پس از آمریکا به دومین قدرت اقتصادی جهان تبدیل شد. نظریه‌پردازان بر این باورند که رشد ثروت ملی چین، توانایی‌های نظامی و نفوذ بین‌المللی این کشور، چالش بزرگی برای هژمونی آمریکا در جهان است. بدین منظور آمریکا برای حفظ تقدم قدرت خود در امور جهانی که چندین دهه است از آن بهره می‌برد، اقدامات لازم را برای مهار چین انجام داده و روابط آمریکا و چین، به یکی از مهم‌ترین مسائل روابط بین‌الملل در قرن ۲۱ تبدیل شده است.

شرایط کنونی دولت چین، به همراه جمعیتی حدود یک میلیارد و نیم، اقتضا می‌کند که این دولت برای تأمین مواد اولیه و معدنی و نیز تأمین امنیت انرژی موردنیاز خود در حال و آینده، تدابیری بیندیشد، در همین زمینه منطقه خاورمیانه و منابع نفتی و گازی آن برای چین بسیار حائز اهمیت است، در همین زمینه کشور ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دارندگان منابع گازی، نفتی و معدنی دنیا می‌تواند به‌عنوان یک تأمین‌کننده مطمئن برای نیازهای آینده انرژی چین به حساب آید و در مقابل کشور چین با دارا بودن فناوری‌های روز دنیا و دارا بودن صنایع پیشرفته می‌تواند پاسخگوی نیازهای ایران برای توسعه زیرساخت‌های صنعتی، تجاری، نظامی و سیاسی خود در آینده باشد. از سوی دیگر کشور ایران نیز به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و اتخاذ سیاست‌های تجدیدنظرطلبانه به‌خصوص در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، از مداخلات و تهدیدات آمریکا در امان نبوده است.

اتخاذ راهبردهای امنیتی توسط آمریکا طی ۲۰ سال گذشته برای مهار چین از یک‌سو، و پررنگ‌تر شدن نقش چین به‌عنوان یک بازیگر مستقل و تأثیرگذار بین‌المللی، تأثیرات مهمی در سیاست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای گذاشته است. با توجه به لزوم شناخت این راهبردها به‌منظور مقابله و اتخاذ سیاست‌های معقولانه در تعیین استراتژی امنیت ملی هر کشوری، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که راهبرد امنیتی ایالات متحده آمریکا در خصوص چین، چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲۱-۲۰۰۱) داشته است؟ در پاسخ فرضیه مطرح شده آن است که «با توجه به تهدیدات راهبردی امنیتی آمریکا علیه چین، این کشور به دنبال اتحاد‌های جدید میان بازیگران مهم منطقه‌ای بوده، که این امر منجر به اتحاد استراتژیک میان چین و ایران گردیده است». این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این موضوع پرداخته است. بدین منظور از ابزارهای گردآوری کتابخانه‌ای، سایت‌های اینترنتی استفاده شده و همچنین در خصوص آمارهای شاخص (اقتصادی و راهبردهای امنیتی) به منابع دسته اول رجوع شده است.

۱- پیشینه پژوهش

درج، حمید و بصیری، محمدعلی (۱۴۰۰). در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر رقابت منطقه‌ای آمریکا و چین بر معادلات و نظم منطقه‌ای در شرق آسیا» به بررسی خیزش چین و ظهور آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران و تأثیرگذاران بین‌المللی پرداخته است. فرضیه این پژوهش حاکی از آن است که از آنجاکه آمریکا خود را تنها قدرت هژمونی جهان فعلی می‌داند، خیزش چین را آشکار چالش و تهدیدی اساسی برای جایگاه جهانی خود برمی‌شمارد.

نجاتی (Nejati) (۲۰۲۱) در مقاله خود با عنوان «سیاست خارجی آمریکا در دوران ترامپ (موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران)» مطرح می‌کند که سیاست خارجی کشورها همواره بر اساس نظام ارزشی و ویژگی‌های ملی حاکم بر آن‌ها شکل می‌گیرد و هویت ملی آن‌ها را به‌عنوان یک دولت-ملت شکل می‌دهد که برای تأمین منافع ملی و دستیابی به کوتاه‌مدت،

میان‌مدت و بلندمدت نظریه‌پردازی شده و عملیاتی می‌شود اهداف موقت ایالات‌متحده به‌عنوان یک ابرقدرت نظام بین‌الملل و جمهوری اسلامی ایران (جمهوری اسلامی ایران) به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه نیز از این قاعده پیروی می‌کنند.

دهشیری، محمدرضا و قنادی، محمدرضا و حبیبی، سید مهدی (۱۳۹۹). در مقاله‌ای با عنوان «تشدید واگرایی آمریکا و چین در عصر پساکرونا و دلالت‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران» و با بررسی دیدگاه‌های موجود به این نتیجه رسیدند که می‌توان به کاربست نظریه آشوب، به این نتیجه رسید که واگرایی روابط طرفین، پدیده‌های پیچیده و چند علتی است که شیوع جهانی ویروس کرونا، به‌مثابه اثر پروانه‌ای، موجب آشکار شدن و تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیک میان آن‌ها شده است.

ایزدی، فؤاد و خلدایی، اسفندیار (۱۳۹۷). در مقاله خود با عنوان «محدودیت‌های آمریکا در همراه ساختن چین با تحریم‌های اقتصادی ایران» معتقد است که چندین دهه رشد اقتصادی فوق‌العاده موجب شده است که چین در جایگاهی قرار گیرد که ابزارهای قدرت آمریکا نظیر فشار، تهدید و تحریم و دیپلماسی به‌آسانی بر پکن کارگر نیفتد و یا برای آمریکا گران تمام شود.

رستمی، فرزاد و صالحی کرتویچی، مجتبی (۱۳۹۵). در مقاله‌ای با عنوان «راهبرد امنیتی آمریکا و گرایش ایران به شانگهای» بر این فرضیه تأکید می‌کند که تغییر راهبرد امنیتی آمریکا در خاورمیانه، عامل مؤثر در گرایش ایران به عضویت در سازمان همکاری شانگهای است. فرضیه‌ای که بر اساس رئالیسم تدافعی، اثبات شد.

طباطبایی، سید محمد و قیاسی، امیر (۱۳۹۲). در مقاله‌ای با عنوان «راهبرد سیاسی و امنیتی ایالات‌متحده آمریکا در قبال چین (۲۰۱۲-۲۰۰۸) بر اساس تئوری موازنه نرم» معتقد است که آمریکا از طریق برقراری روابط گسترده نظامی و متعهد کردن کشورهای پیرامونی چین به خود، استفاده از مناطق چالش‌زا به‌عنوان ابزاری برای فشار بر این کشور، بهره‌گیری از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای برای افزایش هزینه‌های سیاسی و اقتصادی چین و رقابت با چین در مناطق مختلف جهان، برای کاهش نفوذ این کشور، به دنبال مهار و انزوای دولت پکن است.

قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۹). در مقاله‌ای با عنوان «مناسبات اقتصادی آمریکا-چین و آثار آن بر امنیت ملی ایران» معتقد است حداقل در کوتاه‌مدت، همکاری‌های اقتصادی طرفین ادامه خواهد داشت و مسائل مورد اختلاف را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. ایران نیز از موارد موضوع اختلاف است که قابل مدیریت است، چراکه برای چین استمرار همکاری با ایالات‌متحده اولویت دارد.

در خصوص راهبردهای امنیت ملی آمریکا، مطالعات گسترده‌ای در خصوص تأثیر راهبردهای امنیت ملی آمریکا بر سایر کشورها انجام شده، از این میان، علی‌رغم تحقیقات انجام شده که برخی از آن‌ها در فوق‌الذکر اشاره شد، نقدهایی بر آن‌ها وارد است، به‌طور مثال: درج و همکاران (۱۴۰۰) به راهبردهای امنیت ملی این کشور نپرداخته است. نجاتی (۲۰۲۱) صرفاً بر تأثیر سیاست خارجی آمریکا بر سیاست خارجی ج.آ.آ اشاره کرده؛ دهشیری و همکاران (۱۳۹۹) علی‌رغم مطالعه بسیار خوب در این زمینه، راهبردهای امنیت ملی آمریکا در طول ۲۰ سال گذشته و تأثیر آن بر این روابط را نپرداخته است. ایزدی و همکاران (۱۳۹۷) رستمی و همکاران (۱۳۹۵)، طباطبایی و همکاران (۱۳۹۲) و قنبرلو (۱۳۸۹) راهبرد آمریکا را به‌صورت طولی موردبررسی قرار نداده‌اند. به‌طورکلی هیچ‌کدام تحقیقات پیشین، راهبردهای امنیت ملی ۲۰ سال گذشته ایالات‌متحده آمریکا را به‌صورت مستقل در ارتباط با چین و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران موردبررسی قرار نداده‌اند، این پژوهش به دنبال بررسی همین مسئله است.

۲- چارچوب نظری

نظریه‌های روابط بین‌الملل به‌منظور شناخت هرچه بهتر روابط میان کشورها بناشده‌اند. از این میان، هر یک از آن‌ها از زاویه‌ای مشخص به رویدادها نگاه می‌کند، در این پژوهش ما به دنبال شناخت هرچه بهتر این مسئله هستیم که راهبردهای امنیتی ایالات‌متحده آمریکا در خصوص چین چگونه بوده و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چه بوده است. نزدیک‌ترین نظریه به این مسئله، نظریه‌های رئالیسم یا واقع‌گرایی است، در چارچوب نظریه‌های واقع‌گرایانه، رقابت میان قدرت‌های بزرگ و مناطقی که این رقابت را میزبانی می‌کند، در آینده توزیع قدرت در نظام بین‌الملل نقشی تعیین‌کننده دارد. (قربانی، ۱۳۹۸: ۴).

یکی از شاخه‌های رئالیسم، رئالیسم نوکلاسیک و زیرشاخه آن، رئالیسم تدافعی است که مهم‌ترین نظریه‌پردازان آن جک اسنایدر، استفان والت و استفن ون اورا هستند که بر این باورند، دولت‌ها از طریق حفظ موقعیت خویش در درون نظام به امنیت نائل می‌شوند. بنابراین آن‌ها به دنبال دستیابی به میزان مناسبی از قدرت در توازن با سایر دولت‌ها هستند. (قوام، ۱۳۹۳: ۳۱۱) والت با مطالعات خود در خصوص روند تشکیل اتحادها، ائتلاف‌ها در قرن بیستم و به‌ویژه در دوران جنگ جهانی اول و دوم و همچنین دوران جنگ سرد بر این باور است که دولت‌ها نه بر مبنای منطق توازن قوا، بلکه بر مبنای توازن تهدید عمل می‌کنند والت با این پرسش آغاز می‌کند که امنیت در برابر چه چیزی؟ وی بر این باور است که امنیت بیش از آنکه در برابر قدرت طرح شود در برابر تهدید طرح شود. به باور والت، تهدید و نه قدرت در قلب نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها قرار دارد و بر این اساس دولت‌ها نمی‌ترسند، بلکه از دولتی می‌ترسند که بیش از سایر دولت‌ها تهدیدآمیز جلوه کند. در واقع هنگامی که دو یا چند دولت با تهدید مشترک قریب‌الوقوع مواجه شوند، برای حفاظت از خود در شکل یک ائتلاف به یکدیگر می‌پیوندند. والت ائتلاف‌ها یا اتحادها را تعهدات رسمی یا غیررسمی بین دو یا چند دولت برای همکاری امنیتی به‌منظور افزایش قدرت و نفوذ برای تأمین امنیت اعضا می‌داند. (درج و بصیری، ۱۴۰۰: ۲۴۵). همچنین میزان تهدیدکنندگی یک دولت منحصراً با توانایی‌های مادی که رهیافت موازنه قوا طرح می‌کند تعیین نمی‌شود، بلکه عوامل دیگری همچون تهدیدات خشونت‌آمیز و نزدیکی جغرافیایی دولت تهدیدگر با دولت مورد تهدید از اهمیت فراوانی برخوردار است. (رستمی و صالحی کرتویجی، ۱۳۹۵: ۶۰ و ۶۱).

۲-۱- تعریف مفاهیم

- راهبرد: راهبرد یا استراتژی به معنی تعیین اهداف و طرح نمودن برنامه‌ای برای رسیدن به آن‌ها است. به بیان دیگر راهبرد طرح درازمدتی است که برای نیل به یک هدف بلندمدت مشخص طراحی و تبیین می‌گردد. راهبرد مفهومی است که از عرصه نظامی نشأت گرفته و بعداً در سایر عرصه‌ها از جمله اقتصاد، تجارت و به‌ویژه عرصه سیاست و مملکت‌داری از کاربرد زیادی برخوردار شده است. (گروه‌واژه گزینی، ۱۳۹۶)
- استراتژی امنیت ملی آمریکا: سندی است که طبق قانون ایالات متحده آمریکا (قانون گلدواتر نیکلز در سال ۱۹۸۶)، رؤسای جمهور این کشور ملزم به ارائه آن هستند. در این سند مهم‌ترین تهدیدات و اولویت‌های راهبردی ایالات متحده آمریکا مشخص و راه‌های مواجهه با آن‌ها تعیین می‌شوند. (کمیسیون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا، ۱۳۸۳)
- امنیت ملی: به الزاماتی اشاره می‌کند که بقای دولت ملی را از طریق به‌کارگیری قدرت اقتصادی، ارتش و توان سیاسی و استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ نماید. امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند. (ماندل، ۱۳۸۷).

۳- راهبردهای امنیت ملی آمریکا

راهبرد امنیت ملی، مجموعه‌ای از استراتژی‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی در حوزه‌های داخلی و خارجی راجع به روش‌های بهینه تأمین امنیت ملی ایالات متحده آمریکا است. این راهبردها پس از جنگ جهانی دوم، بازنگری در روندهای مرسوم سیاست بین‌الملل بوده و بر همین مبنای سعی داشته که ردپای مشخص و تأثیرگذاری از نظام ارزشی و هنجاری مطلوب خود در گستره مزبور را اعمال نماید (کیوان حسینی و سینا نورانی، ۱۳۹۸: ۳۵۹). همچنین در دوره جنگ سرد، مقابله، مهار و سد نفوذ کمونیسم بود که نزدیک به نیم‌قرن، کانون تفکرات، برنامه‌ریزی‌ها و بنیادهای نظری سیاست خارجی آمریکا را فراگرفت. (صالحی کرتویجی، ۱۳۹۴: ۱). به شکلی که استراتژی امنیت ملی آمریکا تا سال ۱۹۹۱ بر مبنای وجود دو ابرقدرت جهانی تعیین شده بود. مبنای استراتژی نیز حداقل، نوعی توازن قوا بین دو قطب جهانی و حداکثر، تفوق بر رقیب بود. بعد از فروپاشی شوروی که اصطلاحاً مبدأ آن را فروریختن دیوار برلین می‌گویند، موضوع اساسی مورد بحث در زمینه امنیت ملی، مسئله طراحی امنیت بر اساس جهان تک‌قطبی بود. (روحانی، ۱۳۸۱: ۲). با شروع شدن سال

۲۰۰۰ آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت بلامنازع وارد قرن ۲۱ شد و تمام سعی خود را بر حفظ این هژمونی انجام داد. از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ به‌طور خزننده، این هژمونی توسط برخی از کشورها مورد تهدید قرار گرفت که در ادامه به بررسی این استراتژی‌های طی سال‌های مذکور (۲۰۲۱-۲۰۰۱) پرداخته خواهد شد.

۳-۱- استراتژی امنیت ملی بوش ۲۰۰۱-۲۰۰۲-۲۰۰۶

استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا در دوره جرج بوش پسر، همراه با یک‌جانبه‌گرایی مداوم به همراه کسب حمایت‌های بین‌المللی در مبارزه با تروریسم بود. گسترش دموکراسی و مبارزه با رژیم‌های خودکامه برای تحقق حاکمیت کرامت بشری در جهان؛ تقویت ائتلاف دولت‌ها برای مبارزه جهانی با تروریسم و پیشگیری از حمله به آمریکا و دوستان این کشور؛ همیاری برای حل منازعات منطقه‌ای؛ جلوگیری از تهدید آمریکا، متحدان و دوستانش به‌وسیله کاربرد سلاح‌های کشتارجمعی؛ ایجاد عرصه‌ای جدید برای رشد اقتصادی جهانی از طریق بازار و تجارت آزاد؛ گسترش چرخه توسعه از طریق ایجاد زیرساخت‌های دموکراسی؛ ایجاد دستور کاری برای اقدام هم‌کارانه با سایر مراکز اصلی قدرت جهانی؛ تبدیل نهادهای امنیت ملی آمریکا متناسب با چالش‌ها و فرصت‌های قرن بیست و یکم از مهم‌ترین عناوین این استراتژی برشمرده می‌شد؛ فراموش نباید کرد که در یک سال اول دولت بوش، دستور کار بر اساس آخرین استراتژی (در دولت کلینتون در دسامبر ۲۰۰۰ نوشته‌شده) بود. (مختاری، ۱۳۸۲: ۱۴) (Clinton, (Bush, 2002) (Bush, 2006) (2001)

۳-۲- استراتژی امنیت ملی اوباما ۲۰۱۰-۲۰۱۵

باراک اوباما سیاست امنیت ملی خود را بر اساس رهیافت نئولیبرالی تنظیم کرده بود. محورهای اصلی نئولیبرالیسم مبتنی بر بهره‌گیری از سازوکارهای اقتدار نرم بوده است. رهیافت‌های نئولیبرالی شکل متنوع‌تری از اقتدار را پیگیری می‌کند. (اسفندیاری و متقی، ۱۴۰۰: ۱۲). در ۱۷ نوامبر ۲۰۱۱، باراک اوباما مقابل مجلس استرالیا اعلام کرد که وی یک تصمیم استراتژیک مهم گرفته است. او منطقه آسیا پاسیفیک را اولویت اول سیاست امنیتی آمریکا معرفی کرد و تأکید کرد که آمریکا به اینجا آمده تا بماند. (جمشیدی و یزدان شناس، ۱۳۹۸: ۱۰۳). همچنین سیاست‌های اعلام‌شده در سند (۲۰۱۵) برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بیشتر بر اساس تهدید بوده است. (جالینوسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۳) (Obama, 2010) (Obama, 2015)

۳-۳- استراتژی امنیت ملی ترامپ ۲۰۱۷

ویژگی اصلی استراتژی ترامپ در امور خارجی و امنیتی است (Goodarzi & other, 2018: 226) این راهبرد، چین و روسیه را به‌عنوان چالشی علیه قدرت، نفوذ و منافع واشنگتن تلقی کرده است. و آن‌ها را قدرت‌های تجدیدنظرطلب معرفی کرده است. در این سند، هفده بار به کلمه ایران اشاره شده است که آن را می‌توان ذیل پنج شاخص بی‌ثباتی، تهدید موشکی، برنامه هسته‌ای، تروریسم و حملات سایبری تقسیم کرد. (بختیاری، ۱۳۹۶: ۱) به نظر می‌رسد در منطقه هند-آرام، چین به‌عنوان رقیب اصلی آمریکا تعریف شده که تلاش می‌کند با سرمایه‌گذاری‌های کلانی که انجام می‌دهد زیرساخت‌های اقتصادی کشورهای منطقه را در دست گرفته و نفوذ خود را گسترش دهد. (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۶: ۱۴). مهم‌ترین ویژگی استراتژی ترامپ در قبال چین و ایران «توازن دریایی» است که مبتنی بر «توازن قدرت در برابر چین» و در مورد ایران، مهار و تغییر رژیم است (Rasooli, 2019: 205,188) (Trump, 2017)

۳-۴- استراتژی امنیت ملی بایدن ۲۰۲۱

در سند امنیتی بایدن گفته شده است توزیع قدرت در سراسر جهان، تهدیداتی جدید برای آمریکا ایجاد می‌کند و چین یگانه رقیبی است که بالقوه قادر است قدرت اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و فناوری خود را برای ایجاد چالشی پایدار برای سیستم بین‌المللی باثبات و باز،

ترکیب کند. در بسیاری از مناطق، رهبران چین به دنبال مزایای ناعادلانه، رفتار ستیزه‌جویانه و اجباری هستند و قوانین و ارزش‌ها را در قلب سیستم بین‌المللی باز و پایدار تضعیف می‌کنند. در این سند آمده است: «بازیگران منطقه‌ای، مانند ایران و کره‌ی شمالی، در عین حال که متحدان و شرکای آمریکا را به چالش می‌کشند و نظم منطق‌های (مطلوب آمریکایی) را دستخوش تغییر می‌کنند، به دنبال دستیابی به توانایی‌ها و فناوری‌هایی برای تغییر بازی هستند. در این سند تأکید شده است که رقابت آمریکا با چین، روسیه و دیگر دولت‌های اقتدارگرا روزافزون است و این کشور با انقلاب فناوری‌ها روبه‌روست که در حال تغییر شکل همه‌ی جنبه‌های زندگی است. در سند امنیتی بایدن تأکید شده است هنگامی که رفتار دولت چین مستقیماً منافع و ارزش‌های آمریکا را تهدید کند، واشنگتن به چالش پکن پاسخ خواهد داد. دولت بایدن ضمن تأکید بر اینکه رقابت استراتژیک مانع همکاری با چین نیست، معتقد است آمریکا دیپلماسی عمل‌گرا و نتیجه‌گرا را با پکن برای کاهش خطر سوءبرداشت و محاسبه‌ی غلط پیگیری خواهد کرد. (حبیبی، ۱۴۰۰: ۹-۱). (Biden, 2021)

۳-۵- مقایسه استراتژی‌ها

لحن استراتژی‌های امنیت ملی در دولت‌های مختلف نسبت به یکدیگر، متفاوت بوده است، مثلاً استراتژی امنیت ملی آمریکا در دوره جرج بوش بسیار لحن کابوی آمریکایی دارد و یا در دولت اوباما لحن مؤدب‌تری به خود می‌گیرد، اما ماهیت مشترک این اسناد همیشه سلطه افکنی آمریکا و سلطه‌پذیری دیگر کشورها است. (جالینوسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۱). دولت‌های بوش و اوباما در تعریف کلی مسئله‌ی تهدید و چالش‌های پیش روی آمریکا باهم اختلاف داشته‌اند، اما عمدتاً در زمینه‌ی اهداف امنیت ملی هم‌نظر هستند. اختلاف اساسی آن‌ها در زمینه‌ی اهمیت نسبی نظم بین‌الملل است. همچنین، استراتژی‌های امنیت ملی بوش و اوباما درباره‌ی ابزارها و رویکردهای سیاست خارجی تا حد زیادی (منهای جنگ پیشدستانه) شبیه یکدیگرند. (جهانیان و اسلامی، ۱۳۹۹: ۱۱۵).

دونالد ترامپ نسبت به اوباما بر نشانه‌هایی از تهدید نظامی تأکید دارد؛ سیاست مقایسه‌ای ترامپ و اوباما در حوزه امنیت ملی و دفاع در دوره دونالد ترامپ بر موازنه اقتدار و در دوره باراک اوباما بر موازنه تهدید تأکید دارند. (اسفندیاری و متقی، ۱۴۰۰: ۱۲). در دولت ترامپ، زبان بیان مسئله (شناسایی تهدیدها) و ارائه‌ی اهداف و رویکردها تغییر کرده است و در پرتو واقع‌گرایی اصولی و خوداتکایی ملل، استراتژی «اول آمریکا» با نفی مسئولیت‌های بین‌المللی، کاستن از تعهدات نظامی، حمایت‌گرایی اقتصادی و تحریم و همچنین کاربست ملی‌گرایی، تفاوت قابل توجهی را منعکس می‌کند (جهانیان و اسلامی، ۱۳۹۹: ۱۱۵). در دوره‌ی ترامپ و بایدن ممکن است لحن این دو آن‌ها فرق کرده باشد اما جهت‌گیری‌ها و اولویت‌بندی‌های سیاست خارجی هر دو حزب در کنگره و دولت آمریکا هم‌پوشانی قابل توجهی دارند. (سریع القلم، ۱۴۰۱) به‌طور کلی آمریکا در تمام استراتژی‌های خود با محوریت قرار دادن خویش به دنبال یک‌جانبه‌گرایی و یک‌تازی در عرصه بین‌الملل بوده و هیچ قدرت دیگری را در سطح خود بر نمی‌تابد؛ در جدول ۱ این یک‌جانبه‌گرایی در استراتژی‌های امنیت ملی از سال ۲۰۰۱-۲۰۲۱ را مشاهده می‌کنیم.

جدول ۱: یک‌جانبه‌گرایی در استراتژی‌های امنیت ملی

یک‌جانبه‌گرایی در استراتژی‌های امنیت ملی	
دولت بوش / استراتژی امنیت ملی ۲۰۰۱	یک‌جانبه‌گرایی، تلاش برای کسب حمایت بین‌المللی
دولت بوش / استراتژی امنیت ملی ۲۰۰۲	یک‌جانبه‌گرایی در صورت لزوم برای اقدام پیشدستانه، تلاش برای کسب حمایت بین‌المللی
دولت بوش / استراتژی امنیت ملی ۲۰۰۶	یک‌جانبه‌گرایی در صورت لزوم، مزایای عملی چندجانبه‌گرایی
دولت اوباما / استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۰	یک‌جانبه‌گرایی در صورت لزوم، ترجیح چندجانبه‌گرایی
دولت اوباما / استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۵	یک‌جانبه‌گرایی در صورت لزوم، مزایای عملی و اصولی چندجانبه‌گرایی
دولت ترامپ / استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۷	تأکید بر یک‌جانبه‌گرایی و در پیش گرفتن دو‌جانبگی (عمل متقابل) به‌ویژه در حوزه اقتصادی (حمایت‌گرایی در مقابل اقتصاد آزاد، جهانی‌شدن و لیبرالیسم)
دولت بایدن / استراتژی امنیت ملی ۲۰۲۱	یک‌جانبه‌گرایی همراه با رقابت استراتژیک، همکاری با شرکای منطقه‌ای

منابع: (جهانیان و اسلامی، ۱۳۹۹: ۱۲۹) و (مؤلفان).

۴- راهبردهای امنیتی ایالات متحده آمریکا در خصوص چین

از زمان ریچارد نیکسون تا پیش از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در آمریکا، چین و آمریکا علی‌رغم اختلافات ایدئولوژیکی، با یکدیگر همکاری فزاینده‌ای داشته‌اند. این همکاری‌ها به‌ویژه در سال‌های بعد از مرگ مائو در سال ۱۹۷۶، یعنی زمانی که دنگ شیائوپینگ، چین را به یک برنامه جدید به نام اصلاحات و سیاست درهای باز متعهد کرد، شدت بیشتری پیدا کرد. در آمریکا طرفداران تعامل با چین، پیرو نگاه خطی به مسائل، امیدوار بودند سیاست‌های اصلاحی دنگ، چین را به سمت همسویی بانظم جهانی مبتنی بر قوانین دموکراتیک سوق خواهد داد و به تدریج و با گذشت زمان با منافع ایالات متحده همسویی تقریباً اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. (دهشیری، قانیدی و حبیبی، ۱۳۹۹: ۲۶۹). اما افول فزاینده قدرت نسبی آمریکا در بازه ۱۹۹۸-۲۰۱۲ با رشد فزاینده قدرت نسبی چین در بازه ۱۹۹۲-۲۰۱۴ هم‌زمان بود. این موضوع توانست در تحلیل تحولات سیاست آسیایی آمریکا معنی‌دار باشد؛ در این سال‌ها، آمریکا نقشی را در سیاست بین‌الملل برای خود تعریف و ایفا کرد که فراتر از مرزهای قدرت آن بود. درگیری در دو جنگ افغانستان و عراق، برای آمریکا بسیار پرهزینه و بزرگ بود و به تدریج سرعت کاهش رشد آن را افزایش داد (جمشیدی و یزدان شناس، ۱۳۹۸: ۱۰۱). از این‌رو آمریکا در سال‌های اخیر چهار راهبرد بسیار مهم و کم‌هزینه و مؤثر به برخورد غیرمستقیم با چین روی آورده است: الف: برقراری روابط گسترده نظامی، اقتصادی با کشورهای پیرامونی چین ب: استفاده از مناطق چالش‌زا به‌عنوان ابزاری برای فشار بر چین ج: بهره‌گیری از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای برای افزایش هزینه‌های سیاسی و اقتصادی چین د: رقابت با چین در حوزه انرژی، نظامی و اقتصادی در خاورمیانه، قاره آفریقا و آمریکای لاتین (طباطبایی و قیاسی، ۱۳۹۲: ۲۹۷)

در این راستا، آمریکا تلاش کرده با برقراری روابط گسترده نظامی و امنیتی و افزایش حضور و انجام دادن تحرکات نظامی در آسیا و انعقاد قراردادهای نظامی با ژاپن، هند، کره‌ی جنوبی، سنگاپور، و تایوان به‌عنوان رقبای چین و پیمان‌های سیاسی و نظامی با استرالیا و اندونزی، به‌عنوان قدرت‌های متوسط در منطقه، این کشور را در انزوای قرار دهد؛ حتی آمریکا، در راستای محدودسازی چین، عادی‌سازی روابط با دشمن دیرین خود یعنی ویتنام را در اولویت قرار می‌دهد. همچنین، فروش سلاح‌های استراتژیک مانند هواپیماهای بمب‌افکن پیشرفته و انواع موشک‌ها به تایوان، برگزاری مانورهای نظامی حساسیت‌برانگیز مستمر با متحدان خود در دریای چین، ارسال زیردریایی‌های اتمی و هواپیماهای تجسسی به آب‌های مورد مناقشه‌ی چین، امضای قراردادهای اقتصادی نظامی با هند به‌عنوان رقیب دیرینه‌ی چین، راه‌اندازی جنگ اقتصادی و افزایش تعرفه‌های تجاری ترامپ علیه این کشور، ایجاد و حمایت از اعتراضات خیابانی در هنگ‌کنگ علیه دخالت‌های قضایی چین در این جزیره، طرح محکومیت و فشار رسانه‌ای مستمر علیه نقض حقوق بشر و دموکراسی در چین، حمایت مستمر آمریکا از اعتراضات و شورش‌های اقلیت‌های مذهبی مسلمان (اویغور (و بودائی) استقلال‌طلبان تبت و ... سیاست‌های خود را پیش ببرد. (درج و بصیری، ۱۴۰۰: ۲۵۹).

بنا به نظر برخی از صاحب‌نظران، آمریکا و چین با وجود رقابت‌ها و ناهماهنگی‌هایی که میان خود دارند، محکوم به تعارض و برخورد نیستند. وابستگی اقتصادی می‌تواند آن‌ها را به تفاهم و مسئولیت‌پذیری هرچه بیشتر سوق دهد. چین دارای اقتصاد وابسته به آمریکاست و منافعش درگرو استمرار مناسبات دوستانه با این کشور است. آمریکا نیز متقابلاً به چین وابستگی اقتصادی دارد و بر این امر واقف است که موضع‌گیری‌های تند و تخاصمی به اقتصادش ضربات اساسی وارد می‌کند. دو کشور باید از وابستگی متقابل اقتصادی به‌عنوان فرصتی برای پیگیری مسالمت‌آمیز خواسته‌های سیاسی‌شان استفاده کنند (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۱۶). در این زمینه فرکسن، اقتصاددان مطرح آمریکایی با طرح واژه مفهومی «چمریکا» به روابط درهم‌تنیده و بهم پیوسته اقتصادی چین و آمریکا حتی در شرایط دشوار سیاسی و اقتصادی اشاره کرده است. و این خود مسئله بودگی چین و مدیریت آن برای ایالات متحده را بیش‌ازپیش برجسته می‌سازد. (سجادپور، ۱۴۰۰: ۱). فراموش نباید کرد که علی‌رغم استراتژی تدافعی آمریکا باهدف مهار رشد فزاینده چین، در دولت ترامپ شکست‌خورده و تداوم آن در دولت بایدن نیز محکوم به شکست خواهد بود. (آزادی، ۱۴۰۰: ۱)

۵- نقش اقتصاد آمریکا و چین بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

برخی از مقامات آمریکایی نظیر کریستوفر هیل^۱ با وجود اذعان به تأثیرات مثبت رشد اقتصادی چین در ساختار اقتصاد سرمایه‌داری بر این باورند که نیازهای رو به تزاید چین به انرژی و دیگر منابع می‌تواند این کشور را به مانعی بر سر تلاش‌های آمریکا در آنچه واشنگتن تقویت هنجارها و رفتارهای قابل قبول می‌داند، تبدیل کند. این افراد همچنین تمایل چین به سرمایه‌گذاری و تجارت با کشورهای نظیر ایران، را در تضاد با منافع آمریکا می‌دانند. از سودی دیگر برخی نظیر رابرت زولیک^۲ بر این باورند که گفتگوهای راهبردی آمریکا و چین می‌تواند تضمین‌کننده تداوم نظم موجود جهان به شمار رود و توازن قوا را به‌ویژه در منطقه حساس خاورمیانه حفظ کند. (سجادپور و شریعتی، ۱۳۹۰: ۷۴). در چنین شرایطی نحوه تعامل با آمریکا و چین، فرصت‌ها و تهدیداتی را فراروی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد که بررسی این شرایط به‌ویژه فهم این نکته که ایران در روابط چین و آمریکا چه جایگاهی دارد، می‌تواند به‌عنوان عامل مؤثر در تصمیم‌سازی‌های راهبردی ایران مؤثر واقع شود. (سجادپور و شریعتی، ۱۳۹۰: ۷۴). وابستگی چین به نفت وارداتی به‌طور مداوم در حال افزایش است، بدین منظور چین درصدد یافتن متحدانی در منطقه نفت‌خیز خلیج فارس است، که امنیت انرژی آینده چین را تأمین کند (کاوه جبلی، ۱۳۸۲: ۵). البته اغلب کشورهای منطقه خلیج فارس، به‌نوعی متحد آمریکا به شمار می‌روند، به شکلی که آمریکا در اغلب آن کشورها پایگاه نظامی دارد (موسوی و خدایی، ۱۳۹۵: ۶۳). کشور ایران به‌عنوان کشوری مستقل، می‌تواند متحد خوبی را کشور چین در تأمین انرژی و دیگر همکاری‌ها باشد.

از سوی دیگر آمریکا و چین با یکدیگر، حدود ۷۰۰ میلیارد دلار رابطه‌ی تجاری دارند و این رابطه‌ی تجاری آمریکا با چین، تقریباً نصف رابطه‌ی تجاری آمریکا با ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپاست. فرهنگ اجتماعی چینی تمایل زیادی به پس‌انداز دارد و چینی‌ها توانسته‌اند چندین بانک در سطح جهانی ایجاد کنند و قدرت مالی و سرمایه‌گذاری خارق‌العاده‌ای را به وجود آورند. امروز توان مالی، سرمایه‌گذاری و لجستیکی چین، به‌تنهایی هم‌ردیف بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است. (سریع القلم، ۱۴۰۱) به‌منظور بررسی هرچه بهتر تأثیر راهبرد امنیتی ایالات متحده آمریکا در خصوص چین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، بهتر است برخی از مهم‌ترین آمارهای اقتصادی این کشورها مورد بررسی قرار گیرد. در ذیل جدول ۲ نشان می‌دهند که صادرات کشور آمریکا به چین ۸ درصد و واردات کشور آمریکا از چین بیش از ۲۱ درصد بوده، که تقریباً این ۳ برابر بودن واردات نسبت به صادرات، نشان‌دهنده میزان وابستگی اقتصاد آمریکا به محصولات وارداتی از چین است.

جدول ۲: میزان صادرات و واردات کشور آمریکا

میزان صادرات کشور آمریکا به کشورهای دیگر	
اتحادیه اروپا	۱۸.۷٪
کانادا	۱۸.۳٪
مکزیک	۱۵.۹٪
چین	۸٪
ژاپن	۴.۴٪
دیگر کشورها	۳۴.۷٪
میزان واردات کشور آمریکا از کشورهای دیگر	
چین	۲۱.۴٪
اتحادیه اروپا	۱۸.۹٪
مکزیک	۱۳.۲٪
کانادا	۱۲.۶٪

^۱ Christopher Robert hill

^۲ Robert bruce zoellick

ژاپن	۶٪
دیگر کشورها	۲۷.۹٪

منبع: (World Trade Organization, 2021)

با توجه به داده‌های تجاری میان چین و کشورهای غربی و جدول ۳، چین در ردیف بزرگ‌ترین صادرکننده به آمریکا و درعین حال، بزرگ‌ترین خریداران اوراق قرضه خزانه‌داری این کشور است. به شکلی که حجم مبادلات تجاری آمریکا و چین از حدود ۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به فراتر از ۴۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ رسید (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۱۴) و در سال ۲۰۲۱ به ۷۰۰ میلیارد دلار در سال رسیده است. تحلیلگران بر این باورند که منافع اقتصادی چین به شدت به کشورهای غربی وابسته است. اگرچه وابستگی اقتصادی این کشور در سال‌های اخیر به روابط تجاری کاهش داشته اما همچنان روابط تجاری سهمی بسزا در تولید ناخالص داخلی چین دارد. چراکه ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا مقصد صادراتی بیش از یک سوم صادرات چینی‌ها هستند. (اکو ایران، ۱۴۰۱: ۱)

جدول ۳: میزان صادرات و واردات کشور چین

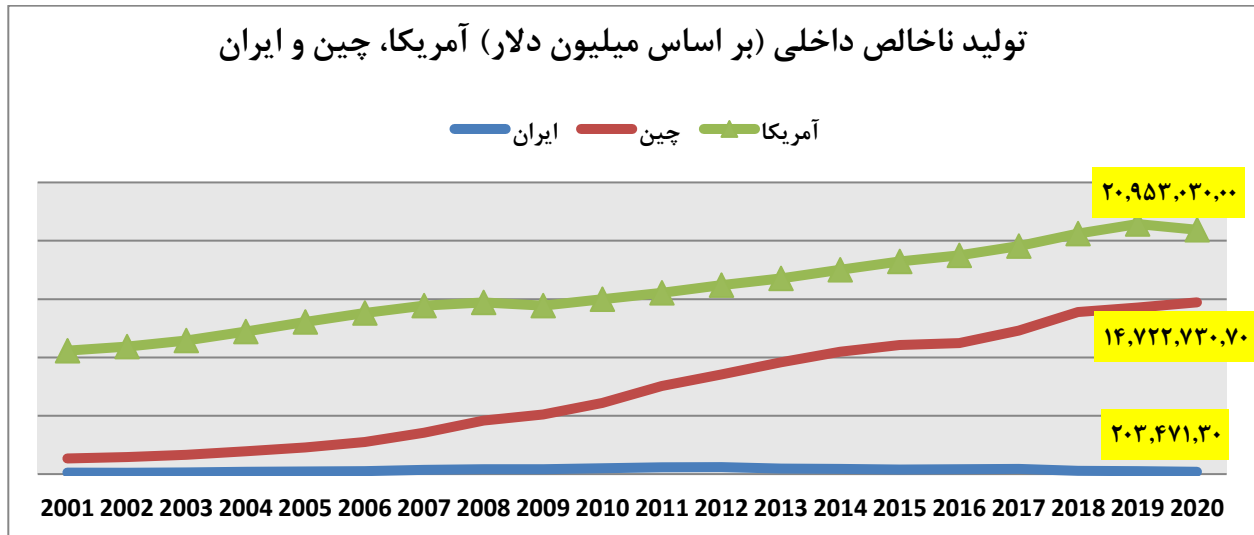
میزان صادرات کشور چین به کشورهای دیگر	
آمریکا	۲۱٪
اتحادیه اروپا	۱۶.۴۳٪
انجمن ملل آسیای جنوب شرقی	۱۲.۸۳٪
هنگ‌کنگ	۱۲.۱۶٪
ژاپن	۵.۹۱٪
کره جنوبی	۴.۳۷٪
هند	۳٪
روسیه	۲.۶۴٪
دیگر کشورها	۲۱.۶۶٪
میزان واردات کشور چین از کشورهای دیگر	
اتحادیه اروپا	۱۲.۸۲٪
انجمن ملل آسیای جنوب شرقی	۱۲.۵۸٪
کره جنوبی	۹.۵۸٪
ژاپن	۸.۴۵٪
تایوان	۸.۳۲٪
آمریکا	۷.۲۴٪
هند	۴٪
برزیل	۳.۶۳٪
دیگر کشورها	۳۳.۳۸٪

(World Trade Organization, 2021)

مطابق با نمودار ۱، آمریکا همچنان با ۲۱ تریلیون دلار تولید ناخالص ملی، اقتصاد اول جهان است. قدرت نظامی، قدرت علمی و فن‌آوری، قدرت نوآوری و توان شرکت‌های آمریکایی برای حضور در صحنه جهانی، همچنان در جایگاه نخست قرار دارد. اما در پانزده سال گذشته، چین توانسته با حدود ۱۵ تریلیون دلار تولید ناخالص ملی و سه تریلیون دلار ذخایر ارزی به قدرت دوم اقتصادی

جهان تبدیل شود. امروز حداقل حجم مبادله اقتصادی هر کشوری در جهان با چین، بیست درصد است و این حجم تجارت در برخی کشورها تا هشتاد درصد هم می‌رسد. (سریع القلم، ۱۴۰۱) در مقابل کشور ایران با ۲۰۳ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی، حجم اقتصاد کوچک‌تری نسبت به آن دو کشور دارد.

نمودار ۱: تولید ناخالص داخلی (بر اساس میلیون دلار) آمریکا، چین و ایران



منبع: (Worldbank, 2021)

با توجه به میزان واردات و صادرات میان کشور چین و کشورهای غربی، ناظران معتقدند منافع اقتصادی چین به شدت به کشورهای غربی وابسته است. از این رو نگاه چین به ایجاد مناسبات و یا حتی ائتلاف با ایران، صرفاً نگاهی ماتریالیستی و منفعت محور بوده و سطح همکاری‌های این کشور با ایران تا آنجا تداوم می‌یابد که منافع این کشور در مناسبات با قدرت‌های بزرگ دچار تعارض جدی نگردد. در حقیقت، مناسبات تجاری، اقتصادی و سیاسی چین با آمریکا و هم‌پیمانان غربی آن سبب شده بود که چین در روابط خود با ایران سیاست «صبر و انتظار» را در پیش بگیرد و در پرتو چنین وضعیتی همکاری این کشور با دولت ایران موردی، مقطعی، محتاطانه و ابزاری باشد. (اختیاری امیری و صالحی خنار، ۱۳۹۷: ۹۴).

۶- تأثیر راهبردها، بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

راهبردهای امنیتی ایالات متحده آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ در خصوص چین، تأثیرات مهمی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران گذاشته است. به شرحی که یکی از مشکلات سیاسی مهم بین واشنگتن و پکن، مسئله ایران بوده است. تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران، چین را عقب نشاناند و با بهره‌گیری از فرصت پیش‌آمده از خلاء حضور رقابتی آسیایی و غربی در بازار ایران نفوذ کرد و در سال ۲۰۰۸ در جایگاه اولین شریک تجاری ایران ایستاد و با کاهش تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران، استراتژی آمریکا علیه تهران را به چالش کشید. (موسوی و خدایی، ۱۳۹۵: ۷۶)

به‌منظور همکاری‌های گسترده و متنوع یک قرارداد همکاری چندجانبه ۲۵ ساله میان ایران و چین با عنوان " برنامه همکاری جامع فی‌مابین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین " در ۷ فروردین ۱۴۰۰ (۲۰۲۱) امضا گردید. (پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰: ۱). امضای این قرارداد برای دو کشور دارای منفعت فراوان بوده به شکلی که چین در پی دستیابی به منافع راهبردی در حوزه‌های مختلف به‌ویژه اقتصاد و انرژی در ایران است (طباطبایی و قیاسی، ۱۳۹۲: ۲۹۱) و از سوی دیگر کشور چین با دارا بودن فناوری‌های روز دنیا و دارا بودن صنایع پیشرفته می‌تواند پاسخگوی نیازهای ایران برای توسعه زیرساخت‌های صنعتی،

تجاری، نظامی و سیاسی خود در آینده باشد. مواردی که دولت‌های غربی به‌هیچ‌عنوان چه قبل و چه بعد از انقلاب ۵۷ در اختیار ایران قرار نداده‌اند. (نصیرپور اسگوئی، ۱۳۹۹: ۱)

بنا به روایت گمرک ایران، میزان تبادلات مالی این دو کشور (ایران و چین) تا پیش از انعقاد این همکاری، به میزان ۱۹ میلیارد دلار در سال رسیده و چین، به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده و واردکننده کالا به کشور ایران محسوب می‌شود. همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌کنیم میزان واردات و صادرات کشور ایران به کشور چین حدود ۱۹ میلیارد دلار در سال بوده است، این در حالی است که میزان واردات و صادرات کشور ایران به کشور ایالات‌متحده آمریکا ۸۰ میلیون دلار در سال بوده است، که قابل قیاس نیست، همچنین قریب به ۴۰ درصد از واردات و ۳۸ درصد از کل صادرات ایران، با کشور چین بوده است.

جدول ۴: آمار واردات و صادرات کشور ایران به کشور چین و ایالات‌متحده آمریکا در سال ۱۳۹۹

آمار واردات کشور ایران به تفکیک در سال ۱۳۹۹				
سال	نام کشور	وزن (کیلوگرم)	ارزش (ریال)	ارزش (دلار)
جمع کل	کل کشورها	۳۳,۷۲۹,۵۴۱,۵۶۷	۱,۶۳۳,۸۷۵,۳۱۲,۷۱۳,۱۰۰	۳۸,۸۹۰,۲۸۱,۲۷۷
۱۳۹۹	چین	۳,۵۶۱,۹۵۶,۴۴۸	۴۱۳,۶۳۲,۱۳۴,۹۵۰,۲۳۸	۹,۸۴۵,۰۴۹,۰۰۱
۱۳۹۹	ایالات‌متحده	۱۵,۹۴۴,۶۳۲	۳,۳۵۶,۶۵۸,۸۴۱,۴۵۸	۷۹,۹۲۰,۴۴۹
آمار صادرات کشور ایران به تفکیک در سال ۱۳۹۹				
سال	نام کشور	وزن (کیلوگرم)	ارزش (ریال)	ارزش (دلار)
جمع کل	کل کشورها	۱۱۳,۱۸۹,۴۱۷,۳۰۶	۷,۴۲۰,۲۲۹,۳۲۰,۹۸۷,۸۶۰	۳۴,۸۶۰,۸۳۵,۴۹۶
۱۳۹۹	چین	۲۶,۹۳۱,۶۰۷,۰۲۲	۱,۹۲۳,۷۶۸,۶۳۷,۵۶۲,۹۷۰	۹,۰۷۱,۲۶۳,۴۴۹
۱۳۹۹	ایالات‌متحده	۶۶,۰۳۲	۳۱,۷۱۸,۰۷۸,۶۵۰	۱۳۶,۵۳۹

منبع: (گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰)

به‌طورکلی در توافق‌نامه‌های چین با سایر کشورها دست‌کم سه عامل تعیین‌کننده وجود دارد که عبارت‌اند از: ضرورت مقابله با فشارهای اقتصادی-سیاسی آمریکا؛ ضرورت حفظ ثبات سرزمینی در امتداد مرزهای چین؛ دستیابی به هدف مدرنیزاسیون درازمدت به‌عنوان عاملی که بتواند رقابت‌های صنعتی-تکنولوژیک غرب را در ابعاد نظامی و اقتصادی خنثی کند یا به حداقل برساند. بر این اساس نظریه‌پردازان سه فرضیه را مطرح ساخته‌اند: ۱. افزایش تنش‌ها میان آمریکا و چین باعث نزدیکی راهبردی چین و ایران در شکل‌بندی به یک بلوک ضدآمریکایی خواهد شد. ۲. چین می‌خواهد از طریق بازی باکارت ایران، آمریکا را قانع کند که در مورد هنگ‌کنگ، دریای چین جنوبی، مسائل تجاری و... دست از سر چین بردارد. ۳. افزایش تنش‌ها میان چین و آمریکا موجب تغییر جدی در استراتژی سیاست خارجی چین نخواهد داشت، بر این اساس چین به راهبرد دوست هر بازیگر منطقه‌ای روی آورده است. (دهشیری، قانلی و حبیبی، ۱۳۹۹: ۲۸۶).

تغییر و تحول در روابط دو کشور چین و ایران با تقویت بنیه اقتصادی - سیاسی تبعات شگرف در مناسبات بین‌المللی را به ارمغان خواهد آورد که همانا وارد شدن ایران در "بازی‌های حاصل جمع غیر صفر" با شرکای جهانی است که بلاشک فصل نوینی را خواهد گشود. (شاهنده، ۱۳۹۶: ۲) البته فراموش نباید کرد که چین تاکنون بارها توافق‌های خود با ایران را تحت فشار سنگین مقامات آمریکایی و الزامات هژمونی آمریکا در منطقه و جهان به حالت تعلیق درآورده است (سجادپور و شریعتی، ۱۳۹۰: ۹۳). به‌عبارت‌دیگر، ایران همواره در بده بستان‌های قدرت-پایه و رقابت‌های سیاسی میان چین از یک‌سو و کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا از سوی دیگر-وجه المصلحه قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که از یک‌سو به‌عنوان برگ برنده چین در بازی علیه غرب مطرح می‌شود تا از آن در جهت کسب امتیاز استفاده نمایند (بزرگی و حسینی، ۱۳۹۰: ۷۳)

۷- نتیجه

راهبردهای امنیتی ایالات متحده آمریکا بر اساس محاسبه هزینه و فایده در نظر دارد چرخش راهبردی از خاورمیانه به سوی شرق آسیا نماید. (دهشیری و غفوری، ۱۳۹۴: ۱۹۰). اما چین ضمن توسعه همکاری‌های سیاسی با همه کشورهای منطقه، سعی می‌کند با کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا در تقابل نباشد و در مسائل امنیتی منطقه همیشه موضع محتاطانه اتخاذ می‌کند چین در سیاست خارجی خود توسعه همکاری‌های سیاسی-امنیتی را در قالب سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای دنبال می‌کند هرچند همکاری‌های دوجانبه را در راستای تقویت آن‌ها گسترش داده است. (آقایی و اکبریان، ۱۳۹۶: ۳۱۱)

به نظر برخی از کارشناسان آمریکا دو راه برای تقابل با چین دارد، راه اول برخورد نظامی با قدرت چالشگر چین است که واشنگتن تمایلی به انتخاب این گزینه ندارد، چراکه پیامدهای اتخاذ این راهبرد بسیار خطرناک است، و ایالات متحده وابستگی حیاتی نسبت به سلامت یک اقتصاد جهانی یکپارچه دارد. (پیرفروزجایی، ۱۳۹۶: ۴) و راه دوم آن است که آمریکا واقعیت چین قدرتمند را بپذیرد و برای پکن جایگاهی مناسب در تصمیم‌گیری جهانی در نظر بگیرد (مظاهری، ۱۳۸۸: ۹۳). سناریوی دوم می‌تواند آثار زیان باری بر منافع ایران به‌جای گذارد. این آثار سوء، صرفاً در حوزه‌های سیاسی-امنیتی نیست، بلکه در حوزه‌های اقتصادی نیز ممکن است آثار مشابهی داشته باشد. در هر صورت، به نظر می‌رسد چه در قضیه فعالیت‌های هسته‌ای و چه در سایر مسائل سیاسی-امنیتی موجود میان ایران و آمریکا، ایران نیازمند چانه‌زنی متوازن با کلیه قدرت‌های طرف مقابل است. تجربه نشان داده سیاست کسب حمایت استراتژیک از یک قدرت برای مقاومت مستمر در برابر ایالات متحده، دستاورد مورد انتظار را به دنبال ندارد (قنبرلو، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

در این پژوهش ما به دنبال پاسخ به این سؤال بودیم که راهبرد امنیتی ایالات متحده آمریکا در خصوص چین، چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲۱-۲۰۰۱) داشته است؟ در پاسخ فرضیه مطرح شده آن است که «با توجه به تهدیدات راهبردی امنیتی آمریکا علیه چین، این کشور به دنبال اتحادهای جدید میان بازیگران مهم منطقه‌ای بوده، که این امر منجر به اتحاد استراتژیک میان چین و ایران گردیده است». بدین منظور اسناد مذکور را بررسی و وضعیت اقتصادی این کشورها را تجزیه و تحلیل کردیم، نتایج نشان داد: راهبرد (استراتژی) امنیت ملی ایالات متحده آمریکا، از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ همواره از چین و ایران به‌عنوان یک تهدید بین‌المللی یاد کرده است، به شکلی که نقش چین پررنگ‌تر و نقش ایران در مراحل بعدی در این استراتژی‌ها قرار داشته‌اند، آمریکا پس از فروپاشی شوروی به دنبال یک تازی در عرصه روابط بین‌الملل بود، اما کشورها دیگر پذیرای یک ابرقدرت نبوده و نخواهند بود بلکه به قول استفان والت هنگامی که دو یا چند دولت با تهدید مشترک قریب‌الوقوع مواجه شوند، برای حفاظت از خود در شکل یک ائتلاف به یکدیگر می‌پیوندند. والت ائتلاف‌ها یا اتحادها را تعهدات رسمی یا غیررسمی بین دو یا چند دولت برای همکاری امنیتی به منظور افزایش قدرت و نفوذ برای تأمین امنیت اعضا می‌داند. با توجه به این نظریه، کشورهای چین و ایران علی‌رغم داشتن همکاری‌های متنوع در گذشته، با توجه به شرایط موجود و بر اساس تهدیدهایی که در راهبردهای امنیتی ایالات متحده آمریکا طی ۲۰ سال گذشته در برابر آن‌ها وجود داشته با انعقاد قرارداد همکاری ۲۵ ساله در سال ۲۰۲۱ (۱۴۰۰) به‌نوعی در برابر تهدید آمریکا، دست به یک ائتلاف با یکدیگر زده‌اند، اما نباید فراموش کرد که نه تنها از لحاظ حجم اقتصادی، کشور ایران در مقایسه با کشور چین و آمریکا کوچک‌تر است، بلکه میزان مبادلات تجاری ایران با چین ۱۹ میلیارد دلار و میزان مبادلات چین با آمریکا ۷۰۰ میلیارد دلار است که قابل قیاس با یکدیگر نیست و این مسئله این نکته را گوشزد می‌کند که علی‌رغم اینکه ایران می‌تواند به‌عنوان منبع خوبی برای تأمین مواد اولیه کشور چین باشد و بالعکس کشور چین در زمینه‌ی کالا و تکنولوژی منبع خوبی برای ایران باشد، اما در مجموع باید مراقب بود تا چین در رقابت‌های جهانی از ایران به‌عنوان یک کارت برنده بازی نکند، کما اینکه در قضیه پرونده هسته‌ای ایران، علی‌رغم چانه‌زنی‌ها به نفع ایران، اما در نهایت در رأی‌گیری‌ها با غرب همسو بود.

فراموش نباید کرد که طی دهه گذشته، دولت‌های ایران با توجه به فشار جبهه غرب، به‌سوی شرق متمایل شده‌اند، که صرف تأکید بر این موضوع، می‌تواند برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خطرناک باشد و سیاست‌گذاران نباید تمام تخم‌مرغ‌های خود را در یک سبد گذاشته و صرفاً به شرق متمایل شوند، بلکه باید با تمام کشورهای قابل‌اتکا، قراردادهای همه‌جانبه و چندجانبه در سطوح

مختلف منعقد نمایند، تا در صورت نیاز و یا خلف وعده هر یک از آن‌ها، بتوانند با دیگر کشورها مراودات گسترده و همه‌جانبه برقرار کنند.

منابع

- اختیاری‌امیری، رضا و صالحی‌خنار، محبوبه (۱۳۹۷). پیامدهای سیاسی-اقتصادی توسعه روابط ایران و چین در چارچوب سیاست نگاه به شرق (۱۳۸۴-۱۳۹۲). فصلنامه مطالعات سیاسی. سال دهم. شماره ۴۰ تابستان ۱۳۹۷
- آزادی، علی (۱۴۰۰). شکست استراتژی آمریکا در مقابل چین. پایگاه اقتصاد نیوز. کدخبر: ۴۴۳۱۶۷-۱۴۰۰/۰۷/۰۶
- اسفندیاری، حسن و متقی، ابراهیم (۱۴۰۰). ارزیابی مقایسه‌ای سیاست امنیت ملی آمریکا در دوران باراک اوباما و دونالد ترامپ در جنوب غرب آسیا. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴۸ پاییز ۱۴۰۰
- آقایی، سیدداود و اکبریان، علیرضا (۱۳۹۶). تعامل یا تقابل چین با آمریکا در خلیج فارس. فصلنامه سیاست. دوره ۴۷، شماره ۲ تابستان ۱۳۹۶
- اکو ایران (۱۴۰۱). تحریم چین اقتصاد آمریکا را فلج می‌کند؟. پایگاه خبری اکو ایران. شماره خبر ۱۲۵۹۵ ۲ فروردین ۱۴۰۱
- اندیشکده راهبردی تبیین (۱۳۹۶). بررسی استراتژی امنیت ملی آمریکا. مجموعه رصد راهبردی اندیشکده راهبردی تبیین. دی‌ماه ۱۳۹۶
- ایزدی، فؤاد و خدایی، اسفندیار (۱۳۹۷). محدودیت‌های آمریکا در همراه ساختن چین با تحریم‌های اقتصادی ایران. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. سال پانزدهم، شماره ۵۲، بهار ۱۳۹۷
- بختیاری، تهمینه (۱۳۹۶). سند امنیت ملی آمریکا ۲۰۱۸: از بی‌تعهدی تا تهدید دولت‌ها. خبرگزاری صداوسیما. کد خبر ۱۹۶۳۰۱۵ مورخ ۴ دی ۱۳۹۶ <https://www.iribnews.ir/fa/news/19630151396>
- بزرگی، وحید و حسینی، میرعبدالله (۱۳۹۰). سازمان همکاری شانگهای و جنبه‌های عضویت دائم ایران در آن. مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۴، تابستان ۱۳۹۰، صص ۷۷-۶۲
- پاک‌نیا، مهدی (۱۳۹۳). پیامدهای گرایش راهبردی آمریکا به رقابت با چین در رابطه با ایران (۲۰۱۰ تاکنون). پایان‌نامه کارشناسی-ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰). امضای سند "برنامه همکاری جامع فی‌مابین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین". ۱۴۰۰/۱/۷. <https://mfa.gov.ir/portal/newsview/632864>
- پیروزی‌جایی، حمید (۱۳۹۶). راهبرد نظامی آمریکا در خلیج فارس و امنیت ملی ج.ا.آ. ۲۰۱۲-۲۰۱۷. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- جالینوسی، احمد؛ هاشمی، سید محمود، باقری، محسن (۱۳۹۴). بررسی سند استراتژی امنیت ملی آمریکا (۲۰۱۵) و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تاریخ، ۱۰ (۳۷).
- جمشیدی، محمد و یزدان شناس، زکیه (۱۳۹۸). استراتژی چرخش به آسیا، خیزش چین و سیاست امنیت ملی آمریکا در آسیای شرقی. دو فصلنامه دانش سیاسی، سال ۱۶ شماره ۱ بهار و تابستان ۱۳۹۸
- جهانیان، شهاب و اسلامی، سعید (۱۳۹۹). بررسی مقایسه‌ای استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۸۷ بهار ۱۳۹۹
- حبیبی، رحمان (۱۴۰۰). نگاهی به رهنمود استراتژیک موقت امنیت ملی آمریکا ۲۰۲۱. موسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام. گزارش ویژه شماره ۵۹ مورخ ۱۴۰۰/۱/۱۶
- درج، حمید و بصیری، محمدعلی (۱۴۰۰). تأثیر رقابت منطقه‌ای آمریکا و چین بر معادلات و نظم منطقه‌ای در شرق آسیا. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۵۳ شماره ۱ بهار ۱۴۰۰

- دهشیری، محمدرضا و غفوری، مجتبی (۱۳۹۴). الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست‌های خاورمیانه‌ای جدید آمریکا. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۳ (شماره ۱۲)
- دهشیری، محمدرضا و قائدی، محمدرضا و حبیبی، سیدمهدی (۱۳۹۹). تشدید واگرایی آمریکا و چین در عصر پساکرونا و دلالت‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. دوره نهم، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۹
- رستمی، فرزاد و صالحی کرتویجی، مجتبی (۱۳۹۵). راهبرد امنیتی آمریکا و گرایش ایران به شانگهای. فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵
- روحانی، حسن (۱۳۸۱). استراتژی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات اخیر آمریکا. مجله حکومت اسلامی. شماره ۲۳
- سجادپور، سید محمدکاظم (۱۴۰۰). بررسی مناسبات چین و آمریکا. مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ایران. <https://www.ipis.ir/portal/subjectview/637003/>
- سجادپور، سیدمحمدکاظم؛ شریعتی، شهروز (۱۳۹۰). گزاره ایران در روابط آمریکا و چین ۱۹۹۱-۲۰۰۹. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰
- سریع القلم، محمود (۱۴۰۱). ایران و ژئوپلیتیک جدید جهان. <https://sariolghalam.com/2022/03/19>
- شاهنده، بهزاد (۱۳۹۶). چین: روابط با آمریکا و ایران. تهران. نشر: میزان
- صالحی کرتویجی، مجتبی (۱۳۹۴). تحول در راهبرد امنیتی آمریکا بعد از ۲۰۰۱ در خاورمیانه و تأثیر آن بر رویکرد جمهوری اسلامی ایران به سازمان همکاری شانگهای. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه رازی. دانشکده علوم اجتماعی
- طباطبایی، سیدمحمد و قیاسی، امیر (۱۳۹۲). راهبرد سیاسی و امنیتی ایالات متحده آمریکا در قبال چین (۲۰۰۸-۲۰۱۲) بر اساس تئوری موازنه نرم. فصلنامه مطالعات سیاسی-اجتماعی جهان، دوره ۳، شماره ۲. پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
- قربانی، صادق (۱۳۹۸). جایگاه منطقه ایندوپاسیفیک در راهبرد امنیت ملی ایالات متحده و تأثیر آن بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۹). مناسبات اقتصادی آمریکا-چین و آثار آن بر امنیت ملی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال سیزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳). سیاست شناسی مبانی علم سیاست، تهران: انتشارات سمت.
- کاوه جبلی، علیرضا (۱۳۸۲). روابط نظامی ایران و چین، و متغیری به نام آمریکا. فصلنامه سیاست دفاعی، سال یازدهم، شماره ۴۴
- کمیسون تداوم استراتژی امنیت ملی آمریکا (۱۳۸۳). استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱. مترجمان: بابک فرهنگی، ابوالقاسم راه‌چمنی، جلال دهمشگی. ناشر: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- کیوان حسینی، سیداصغر و سینا نورانی، سیدامیر (۱۳۹۸). ترامپ، جهت‌گیری آمریکا اول و اخلال در تجارت بین‌الملل (۲۰۱۷-۲۰۱۹). دو فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل. دوره دوم، شماره اول. بهار و تابستان ۱۳۹۸.
- گروه واژه‌گزینی (۱۳۹۶) جواد میرشکاری، ویراستار. دفتر اول. فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی. سرواژه راهبرد.
- گمرک جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰). آمار صادرات و واردات منتهی به سال ۱۳۹۹. <https://www.irica.ir>
- ماندل، رابرت (۱۳۸۷). چهره متغیر امنیت ملی، مترجم پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- مختاری، لادن (۱۳۸۲). راهبرد امنیت ملی آمریکا در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲. فصلنامه مطالعات خاورمیانه. زمستان ۱۳۸۲
- مظاهری، محمد (۱۳۸۸). تبیین رقابت‌های چین و ایالات متحده آمریکا در چارچوب نظریه چرخه قدرت. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۸
- موسوی، سیدمحمدعلی؛ خدایی، اسفندیار (۱۳۹۵). روابط آمریکا و چین در خلیج فارس: همکاری یا تقابل. فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵.

-نصیرپور اسگوئی، نوید(۱۳۹۹). سود کلان قرارداد ۲۵ ساله سند همکاری. سایت دیپلماسی ایرانی. ۱۳۹۹/۶/۳.

<http://irdiplomacy.ir/fa/news/1994683>

Biden, J. R. (2021). National Security Strategy Reports. <https://nssarchive.us/>

Bush, G. W. (2002). National Security Strategy Reports. <https://nssarchive.us/>

Bush, G.W. (2006). National Security Strategy Reports. <https://nssarchive.us/>

Clinton, W. J. (2001). National Security Strategy Reports. <https://nssarchive.us/>

Goodarzi, S., & other (2018). Trump and the Perspective of the US National Security Strategy; the Transition from Multilateralism to Unilateralism. *Geopolitics Quarterly*, Volume: 13, No 4, Winter 2018

Nejati, M. H. (2021). Trump's US Policy, International Agreements and the Islamic Republic of Iran Foreign Policy. *Turkish Journal of Computer and Mathematics Education (TURCOMAT)* Vol. 12 No. 13 (2021)

Obama, B. (2010). National Security Strategy Reports. <https://nssarchive.us/>

Obama, B. (2015). National Security Strategy Reports. <https://nssarchive.us/>

Rasooli, E. (2019) A Comparative Study of China and Iran in the National Security Strategy of the United States of America. *International Quarterly Of Geopolitics*. Volume 14, Issue 52. Winter 2019

Trump, Donald (2017). National Security Strategy Reports. <https://nssarchive.us/>

World Trade Organization (2021) [http:// stat.wto.org/Country Profile /WSDBC ountry PFView.aspx? Country =CN](http://stat.wto.org/Country Profile /WSDBC ountry PFView.aspx? Country =CN)

Worldbank(2021). <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD>